

«بررسی و مطالعه تأثیر فرهنگ معماری روم بر استحکامات و ابنیه ساسانی»

(حسن روحی کشکی)

(دبیر تاریخ)

چکیده

یکی از مهمترین عوامل پیشرفت دانش، فرهنگ و در یک کلمه، تمدن بشری، روابط میان ملت‌ها بویژه همسایگان بوده است. همسایگی‌ها و روابط مختلف تجاری، سیاسی، نظامی و... سبب تأثیر متقابل تمدن‌های بزرگ بر یکدیگر گردیده که یکی از بارزترین نمونه‌های آن را می‌توان در دو تمدن بزرگ ایران و روم مشاهده کرد که بیش از هزار سال با یکدیگر همسایه بوده و در زمینه‌های مختلف با هم ارتباط داشته‌اند. امپراتوری روم و ساسانی در تعارض‌های خود به سرزمین‌های یکدیگر بهانه‌های مختلفی برای جنگ و درگیری داشتند. بدون شک جنگ‌های ایران و روم شرقی (بیزانس) به نحو بارزی مهمترین و عامل تأثیرگذار در انتقال تبادلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری بین دو کشور بوده است. ایران دوره ساسانی در طی این تماس‌ها و جنگ‌ها آنچه را که برای پیشرفت فرهنگ و تمدن خود لازم داشت از روم شرقی (بیزانس) اقتباس کرد و در مقابل نیز بر فرهنگ آنان تأثیر گذارد پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. پرسش اصلی این پژوهش، تأثیر فرهنگ و معماری رومی بر استحکامات دوره ساسانی تا چه اندازه بوده است؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان دهنده آن است که بر اثر جنگ‌های پی در پی بین ایران و روم و تبادل فکری و فرهنگی، ایرانیان از استادان و معماران رومی در ساختن بناها به خصوص در پل سازی و استحکامات نظامی و ساختن دژهای نظامی استفاده کرده‌اند.

کلیدواژه

فرهنگ روم، دوران ساسانی، استحکامات نظامی، معماری ایرانی، امپراطوری روم.

متن اصلی

مقدمه

سبک معماری ایران باستان با سیر تکاملی خود به خارج از مرز کشور صادر و گسترش یافته و در سبک های معماری جهانی تاثیر گذار بود و در برخی نقاط نیز مورد تقلید و استفاده معماران کشورهای دیگر جهان آن روز قرار گرفت. در این دوره هنر معماری پیشرفت قابل توجهی کرده و ساختن کاخ های مجلل معرف این موضوع است. در این دوره هنر متعلق به جامعه است. به دلیل جریان شدید پول و گسترش بازرگانی و اقتصاد شکوفای جامعه شهرهای عظیم در این دوره پدید آمد و معماری پلان و فرم ویژه این دوره راه یافت، فرمی که قابلیت اجرایی شیوه های آن چه در قصر و کاخ دولتی و چه در یک خانه معمولی امکان پذیر است. پوشش گنبدی با مصالح بومی مثل سنگ، خشت، آجر و بدون استفاده از چوب و مصالحی نظیر گچ و ساروج استفاده از گچ کاری و موزاییک کاری برای تزئین آن از عوامل اساسی معماری دوره ساسانیان است (توحیدی، ۱۳۸۸). هنر و معماری ساسانیان تحول یافته هنر اشکانی است. ساخت شهرها بر اساس طرح مدور و بنای کاخ ها با ایوان های عظیم میراث اشکانی است (برسیوس، ۱۳۸۸). سبک معماری ساسانیان عمیقاً تابعیت از سنن قدیمی و توجه به معماری پارتی دارد (آتشکدها)، همچنین در معماری به تقلید از هخامنشی ها از گیلویی های مصری استفاده می شده است (انصاری، ۱۳۸۷). سلسله ساسانی با آن همه کوششی که در زنده کردن بزرگی ایران داشت و ایران را به همان شوکت زمان هخامنشیان رساند و مملکتی را که در زمان اشکانیان تجربه شده بود دوباره متحد ساخت، تنها چیزی را که به شکوه و بزرگی پیشین نرساند معماری بود و در معماری آن عظمت قبل را برقرار نکرد و زیرا سبک های معماری در زمان ساسانیان تغییر یافته بود و بناها را از مصالح کم دوام می ساختند آثاری بجا مانده از آن عظمت و شکوه آثار هخامنشیان را ندارد و به همین جهت بقایای آثار دوره ساسانیان در حال انهدام است و گاهی برخی سر ستونها یا گچ بری ها از آن زمان بدست می آید که اطلاعاتی در مورد حجاری و معماری دوره ساسانی می دهد (نفیسی، ۱۳۸۸). طریقه جدیدی که در معماری دوره ساسانیان دیده می شود استعمال کلاف های چوبی است که در بین دیوار افزوده می گردید، دیگر از مشخصات معماری عهد ساسانی پیشرفت فن گنبد سازی و ساختن طاق های قوسی و بکارگیری از آن در ساختمان های بزرگ و با عظمت است که نمونه های آن در آثار این دوره دیده می شود. از سایر مشخصات معماری این عصر ساختن گنبد بر روی پایه چهار گوش است، در صورتی که رومیان فقط بر روی ساختمان هایی که پایه آن دایره با هشت گوش بود توانسته اند گنبد بسازند. این هنر ساختن گنبد بر روی پایه های چهار گوش در قرون بعد از اسلام به تکامل رسید و هنر مقرنس کاری نیز برای تکمیل و زینت گوشه ها بوجود آمده است (تاج بخش، ۱۳۸۱). کاخ ها و پی افکندن شهرها جلوه هایی هستند از هنر ساختمانی ساسانی. از خطیر ترین شهرها که ساسانیان پی افکندند اردشیر خزه با فیروزآباد و بیشاپور است، کاخ های شهرهای شاهی در کنار شهر با حتی در بیرون حصار شهر جای داشتند. خصوصیت ممتاز آنها ایران مرکزی شان بود، فضایی طاقدار که از یک سو باز بود و تالار پار شاهان بود. کاخ ها و بناهای دیوانی را از خشت می ساختند، که اساسی ترین مصالح ساختمانی بود، از گچ کاری و گچ نماها برای تزئین فضاهای درون و برون آنها استفاده می کردند. در اردشیر خزه ایوان بزرگ مرکزی آن به یک تالار گنبد دار ختم می شد. این تالار را بر یک طرح مربعی ساخته اند، ولی گنبدی مدور بر آن زده اند که نو آوری در معماری که با استفاده از عنصر سه کنجی به دست آمده است. آتشکده ها با چهار طاق - ها در سرتاسر شاهنشاهی به چشم می خورد و به افتخار شاه و اعضای خانواده اش آنش هایی می افروختند و ظاهراً چنین کاری را برای خانواده های خود انجام می دادند. مثلاً آورده اند که مهر ترسی، بزرگ فرمادار بهرام پنجم، برای خود و سه پسرش آتشکده هایی بنا کرد (برسیوس، ۱۳۸۸). شاخص ترین عنصر در هنر معماری ساسانی، ساختن بناهای ایوان دار است. ایوان در معماری ساسانی بر مظاهر و عناصر سایر معماری این دوره از تاریخ ایران حرف اول و آخر را می زند. ایوان های دارای سقف های عمدتاً روان گونه که از هنر معماری پارتی اقتباس شده است،

می باشند. قالب کلی معماری ساسانی در ارائه ایوان شناخته می شود (خدادادیان، ۱۳۸۶). معماری ساسانی گذشته از اقتباس از هنر روم و خاورمیانه و دیگر همسایگان اغلب دنباله روی معماری هخامنشی و اشکانی و در نهایت علاقمند به احیاء سنت های معماری ایرانی بود. بجز گنبد سایر عناصر معماری آن، کلا با معماری سنتی پیشین شباهت دارد. پدیده گنبد سازی در عهد اشکانی مقدمه ای برای گنبد سازی بطور گسترده در عصر ساسانی بود که پیش از این در کوه خواجه سیستان تجربه شده بود. (انصاری، ۱۳۸۷). مشهورترین بنای دوره ساسانی طاق کسری با ایوان کسری است که عظمت این بنا باعث تحیر اعراب گردیده اما امروز جز خرابه های مسقف چیزی از آن باقی نمانده است. این بنا را به انوشیروان نسبت می دهند اما هرتسفلد عقیده دارد که این بنا در زمان شاپور اول ساخته شده است. نمای این بنا در زمان شاپور اول ساخته شده است. نمای این بنا که ۲۹ متر ارتفاع دارد، دیواری بوده بی پنجره اما دارای طاق نماهای متعدد و ستون های برجسته و طاق های کوچک، نمای عمارت از ساروج بنفش و سنگ های مرمر و به عقیده برخی از صفحات مسی و زراندود و نقره ای پوشیده بوده (تاجبخش، ۱۳۸۱). در سقف تالار ۱۵۰ روزنه به قطر دوازده تا پانزده سانتی متر تعبیه کرده بودند، که نوری لطیف از آنها به درون می تافت و در این روشنایی اسرار آمیز منظره آن همه شکوه و جلال و تجمل، اشخاصی را که برای بار اول به اینجا قدم نهاده بودند، چنان مبهوت می کرد، که بی اختیار به زانو در می آمدند. (کریستن سن، ۱۳۷۷) و همچنین کریستن سن در باره طاق کسری می نویسد: طاق کسری، که مقر عادی شاهنشاه بود، بنایی بود که از لحاظ ساختمان تا حدی ساده، لکن حیرت و اعجاب نگارگان در برابر این بنا بیشتر به دلیل عظمت و شکوه و ضخامت اضلاع آن بود تا زیبایی کلیات و جزئیات آن. (همان) مهمترین و قدیمی ترین آثار معماری و کاخ سازی این عهد عبارتند از: ۱- کاخ فیروز آباد در فارس ۲- کاخ شاپور با بیشابور ۳- طاق بستان در کرمانشاه ۴- کاخ سروستان در فارس ۵- طاق کسری با ایوان مدائن ۶- عمارت خسرو، موسوم به قصر شیرین ۷- پرچ پایکولی (انصاری، ۱۳۸۷).

روم و تاثیر آن بر بناهای ساسانی

ساسانیان با الهام گرفتن از تکنیک های گنبد و طاق زنی رومیان، سازه های طاقی ساختند که همچنان تصویری از دوار بودن را القا می کرد. بارزترین نمونه ی آن طاق کسری در کاخ تیسفون است که می توان گفت توسط خسرو یکم (دوران حکومت ۵۳۱-۵۷۹ میلادی) یا شاپور یکم بنا شده باشد. این بنا شامل بزرگترین و پهن ترین طاق آجری فاقد داربست می باشد که حتی امروزه در دنیا ماندنی ندارد. طاق کسری ورودی به سمت کاخ امپراطوری و عظیم تیسفون، پایتخت ساسانیان بوده و هدف از ساخت آن تقلید کردن از عظمت شاهکار های معماری هخامنشی مانند پرسپولیس بود.

سبک های معماری روم شرقی

معماری بیزانسی به سبکی اشاره دارد که بین قرن ۴ تا ۱۵ میلادی در سرزمین های تحت سلطه ی امپراطوری بیزانس (روم شرقی) مروج بود. بکارگیری از گنبد بزرگ و مرتفع، پنجره های بلند و موزاییک برای دکور، از ویژگی های رایج این سبک به شمار می رود (اعظمی، ۱۳۹۸).

معماری بیزانسی، سبکی بود که در قرون وسطی و در دوران حکومت امپراطور روم شرقی یعنی ژوستینین یا همان یوستینیانوس یکم (Justinian I) رونق پیدا کرد. افزون بر استفاده ی فراوان از موزاییک درون ساختمان، گنبدهای بزرگ و مرتفع از سایر ویژگی های بارز سبک بیزانسی به حساب می آمد که تکنیک های مهندسی قرن ۶ میلادی، زمینه را برای ساخت این نوع گنبدها به وجود آورده بود. معماری بیزانسی قادر بود در دوران امپراطور یوستینیانوس به سبک غالب بخش شرقی امپراطوری روم تبدیل شود؛ ولی تأثیرات آن تا قرن ها بعد، یعنی از سال ۳۳۰ تا زمان سقوط کُستانتینوپول (قسطنطنیه) در سال ۱۴۵۳ میلادی ادامه داشت و حتی امروزه هنوز هم از این سبک برای ساخت برخی از کلیساها استفاده می کنند.

در حقیقت بیشتر ساختمان‌هایی که ما سبک معماری بیزانس را به آن‌ها نسبت می‌دهیم، مذهبی و مربوط به کلیسا هستند. کنستانتین (امپراتور روم شرقی) طی فرمان میلان (Edict of Milan) در سال ۳۱۳ میلادی، مسیحی شدن خود را اعلام کرد و این اقدام وی به دین مسیحیت رسمیت بخشید. لذا مسیحیان دیگر مورد اذیت و آزار قرار نمی‌گرفتند و می‌توانستند بدون هیچ تهدیدی به عبادت بپردازند. در نتیجه‌ی این تغییرات، مسیحیت توانست رونق بیشتری در این دوره پیدا کند و به سرعت گسترش پیدا کند و به همان نسبت هم می‌بایست به فکر ساخت مکان‌هایی برای عبادت و طرح‌های جدیدی می‌بودند. ایا ایرینی (Hagia Irene) در استانبول، اولین کلیسای مسیحی به شمار می‌رفت که به دستور امپراتور کنستانتین در قرن ۴ میلادی تأسیس شد. بسیاری از کلیساهای اولیه‌ی این دوران را خراب کردند و دوباره آن‌ها را در دوران امپراتور یوستینیانوس بر روی خرابه‌های این ساختمان‌ها از نو ساختند. کلیسای سن مارکو یا همان «کلیسای سنت مارک» در ونیز یکی دیگر از کلیساهای معروفی شمره می‌شود که سبک‌های معماری مختلفی از جمله گوتیک و بیزانسی در ساخت آن به کار گرفته شده است.

ویژگی‌های معماری امپراتوری ساسانی

۱- تأثیرپذیری دوره ساسانیان از دوره‌های قبل

- استفاده از سنگ‌های پاکتراش بدون مالت در برخی از بناها
- اختلاط هنر بومی با هنرهای یونانی و رومی

۲- تأثیرگذاری دوره ساسانیان بر دوره‌های بعد

- ایجاد بناهایی با یک یا دو یا چهار ایوان طاق پوش
- استفاده از انواع طاق‌های ماز و گنبد

۳- اصول رایج در معماری ساسانی

- معماری درونگرا
- ایوان
- حیاط مرکزی میانسرا
- حیاط رواق دار
- شیوه‌های تبدیل زمینه چهار گوش یک فضا به گردی گنبد
- استفاده از مصالح بومی
- استفاده از نیروهای کار بومی و محلی
- چیدمان فضا در طرح‌های مختلف

۴- ویژگی‌های فضایی دوره ساسانیان

- تنوع در طرحها و بهره‌گیری از اندام‌های مختلف
- جفت‌سازی و قرینگی در نیایشگاه‌ها و کاخ‌های پذیرایی
- پادجفت‌سازی و عدم قرینگی در کاخهای مسکونی و خانه‌ها
- درونگرایی با بهره‌گیری از میانسرا
- شکوه و عظمت بخشیدن به معماری با بلند مرتبه‌سازی آن

۵- ویژگیهای نیارشی

- بهره‌گیری از آسمانه‌های خمیده و تاقی شکل و کاربرد زیبای گنبد در معماری ساسانی و همچنین تاق و تویزه و تاق آهنگ و نیم‌گنبد
- پی‌سازی با سنگ لاشه
- گوشه‌سازی چوبی
- استفاده از فیلیپوش در زیر گنبدها
- استفاده از مصالح محلی سنگ لاشه
- خشت و آجر و مالت از مالت‌های گچی

دلیل تاثیر گرفتن ساسانیان از رومی‌ها در معماری

در این دوره به دلیل جنگ‌های متوالی بین ایران و روم و تبادل فکری و فرهنگی، ایرانیان از استادان و معماران رومی در ساختن بناها به ویژه در پل‌سازی استفاده کردند و متقابلاً سبک و شیوه معماری ایران در روم تاثیر بسزایی گذاشته است. (حکمت، ۱۳۵۰) هر چند نفوذ هنر ایرانی در امپراتوری روم بیشتر از هر جا در مورد پارچه واضح و بدیهی است، از پاره‌ای لحاظ اهمیت آن در معماری به مراتب اصلی‌تر است، حتی یکی از مکتب‌های محققان تحت رهبری استرزیگوفسکی چنان در این زمینه تند می‌رود که می‌گوید همگی اختصاصات اساسی ساختمان‌های گنبدی و سقف‌دار و حتی ساختمان‌های صلیب شکل، که عصاره واقعی معماری بیزانس به شمار می‌رود، از ایران سرچشمه گرفته و نخست در ایران گسترش یافته‌اند. (رایس، ۱۳۸۸) پس از آنکه مسیحیت در ۳۱۲م در روم به دین رسمی قانونی تبدیل گردید، کلیساهای معروف به باسیلیکا در سراسر خاور اروپا بر پا شد. باسیلیکاهای خاوری را به شکل صلیب یونانی می‌ساختند و با قطعه سنگ‌هایی که با دقت جفت و جور می‌شد، گنبدهای بسیار بزرگی بر بام آنها می‌افراشتند. این سبک معماری با جرع و تعدیل‌های پی در پی در سرتاسر دنیای مدیترانه و روسیه رواج یافت. (لوکاس، ۱۳۸۲)

در بین سالهای ۵۲۹ تا ۳۳م ژوستینین در زمینه معماری انقلابی ایجاد نمود، اما دو نفر از معماران نابغه زمان یعنی ریاضی دان و مهندس آنتمیوس از اهالی تراس و ایزدور ملطی را بکار گماشت تا یک شاهکار عظیم یعنی کلیسای ایاصوفیه (خرد مقدس) را در قسطنطنیه طرح ریزی کرده و بنا نهند. معیار اصلی یک بنا در جهان‌ه‌ن، مگرون بود که یک اتاق مستطیل شکل همراه با شیروانی بود. این نوع بناها در حالیکه در قسمت جلو و یا در چهار طرف با ستون‌های بیرونی مزین شده بود طرح معابد رب النوع‌های یونانی، اتروسکی و رومی پیش از میلاد به حساب می‌آمد. مگرون با ستون‌هایی که از بیرون به

درون می رفت در عصر ما بعد اسکندر به شکل باسلیقا در آمد و باسلیقا پیش از اینکه الگوی نمونه برای کلیسای مسیحیت شود، کاربردی دنیایی داشت اما اختراع نوع جدیدی از سنت در ایتالیا در قرن دوم میلادی وسایل فنی ایجاد ساختمان مدوری را که با طاق مجوفی احاطه شده بود فراهم کرد (نوبل بی، ص ۱۳۶۶) آنتیموس و ابزید و روس کار خود را خوب انجام دادند، زیرا سانتا سوفیا پانصد سال محشون از زمین لرزه ها، جنگها، بلواها، و آتش سوزی ها را پشت سر گذاشته و امروزه کماکان نیز پابرجاست. سقف گنبدی که با سانتا سوفیا رواج بافت به یک مشخصه اصلی تمام ساختمان های عمومی بیزانس تبدیل شد و گنبد همراه باسیلیکا برای سیری در فرهنگ و تمدن ایران دوره ساسانی و روم شرقی (بیزانس) و تاثیر شان بر یکدیگر کلیساهای بیزانسی به شکل استاندارد در آمد، و نه تنها کلیساهای شرقی دیگر بلکه کلیساهای اروپای غربی هم به سرعت از آن تقلید کردند. (کوریک، ۱۳۸۷)

خوزستان یکی از ایالت‌های مهم دوره ساسانی محسوب می‌شد. این ایالت به لحاظ داشتن حاصلخیزی خاک و فراوانی آب دربخش کشاورزی دارای اهمیت فراوانی بود. در دوره ساسانی به گسترش کشاورزی اهمیت ویژه‌ای داده شد و یکی از عوامل گسترش کشاورزی در این دوره ساخت و گسترش سازه های آبی بوده است. خوزستان نیز که یکی از ایالت های پر آب این دوره محسوب می شده‌است، سازه های آبی بی شماری از جمله پل ها، بندها، آسیاب های آبی و سایر سازه های آبی را در خود جای داده است. به خصوص منطقه شوشتر به صورت یک مجموعه کامل از سازه‌های آبی جلوه‌گر شده و پل شادروان به عنوان نماد این مجموعه دارای اهمیت فراوان است. برطبق کتبه شاپور اول در کعبه زرتشت، شاپور طی نبردی، والیرین امپراتور روم را به همراه تنی چند از لشکریانش اسیر کرده و به ایران کوچاند. این نبرد در سال ۲۶۲-۲۶۱ م. اتفاق افتاد. گفته شده در بین اسیران فراوان رومی، فن آوران، دانشمندان، و هنرمندان بسیاری بودند که تبعید شدند و در ایالت های کنونی فارس و خوزستان مستقر گردیدند. به نقل از اکثر منابع، شاپور اول اسیران رومی را در شهر گندی شاپور جندی شاپور اسکان داد و آنها در آنجا بند معروف به بند قیصر را بر روی رودخانه کارون ساختند و نیز گفته شده پل شادروان نیز توسط مهندسان رومی ساخته شده است (کرد زنگه، کلاه کج، ۱۳۹۴).

اشکانیان به دلیل پیکارهای متعدد دچار ضعف شدند تا جایی که مورد تهدید قوم جدیدی بنام ساسانیان که خود را از اعقاب هخامنشی میدانستند و در قسمت‌های جنوبی پارس بودند، قرار گرفتند. سلسله ساسانی آخرین حکومت پیش از اسلام در ایران بود، شروع حکومت ساسانیان در نزدیکی تخت جمشید بود. ساسانیان نیرویی پر قدرت و مرکزی را بنیانگذاری کردند و با تنظیم یک برنامه و سازمان کارآمد در امر آبیاری، شهرسازی، معماری و صنعتی کردن کشور، بسیار پیشرفت کردند. معماری طاقدار در دوره ساسانی تحول چشمگیری داشته است. همچنین در این دوره، شهرسازی طرح دایره‌ای شکل بسیار اهمیت داده میشد. معماری ساسانی، صرفا معماری کاخها نیست. بعد از معماری کاخها، معماری خانه‌ها، آتشگاه‌ها و معابد، بیشترین آثار معماری به جای مانده از دوران ساسانی هستند. به طور کلی درباره معماری ساسانی باید گفت که معماری این دوره بر اساس معماری بومی و نواحی خشک مرکزی و شرقی ایران بنیانگذاری شده است. ساسانیان خود را از اعقاب پارسی ها می دانستند و همواره به عظمت و اعتالی ایران و قدرت و اعتبار حکومت خود توجه داشتند. هرچند که به علت جنگهای متوالی که با رومیان همسایه غربی ایران داشتند قادر به احداث ساختمانها و کاخهای بزرگ مانند پارسها نشدند، لکن سعی کردند که بناهای با ارزشی را با استفاده از مصالح ساختمانی اطراف هر کاخ به وجود آورند که خوشبختانه بسیاری از این آثار باقیمانده است و از آنجا که دین رسمی کشور در زمان ساسانیان دین زرتشتی بود، لذا برای آتش احترام خاصی قائل بودند و آنرا مقدس می‌شمردند و برای نگهداری و نگهداری از آتش، پرستشگاه یا جایگاه‌های مخصوصی می‌ساختند، آتش مقدس در این پرستشگاه‌ها طبق سنن مذهبی ساسانیان توسط کاهنان و پنهان از پرستش‌کنندگان عام حفاظت می‌شد که از آن آتش‌های دیگری می‌افروختند و خارج از پرستشگاه درون چهارطاقی‌های باز در معرض دید و پرستش عموم قرار میدادند. چهارطاقی‌ها،

بناهایی بودند که برای نگهداری و روشن نگهداشتن آتش ساخته می‌شدند و نقشه‌های چهارگوش داشته و سقف گنبدی شکلی روی آنها قرار می‌گرفته است و چهار طرف آن دیوارهایی دارد که در وسط هر دیوار، درگاهی قوسی شکل تعبیه شده است (ضیاءپور، ۱۳۷۷).

آتشکده نیاسر، کاخ قلعه دختر، کاخ شاپور در مجموعه بیشاپور، کاخ خسرو، ایوان مدائن، کاخ سروستان، تخت سلیمان، طاق بستان از جمله آثار به جا مانده از این دوره است که تقریباً همگی دارای اهمیت فوق العاده هستند. آتشکده نیاسر در نزدیکی کاشان از بناهای دوره ساسانیان است. در این بنای چهارطاقی که نشان دهنده تحولات معماری در عصر ساسانی است، شیوه‌های طاق زنی مانند طاق رومی و ضربی دیده می‌شود. کاخ قلعه دختر توسط اردشیر بر قله یکی از تپه‌های مرتفع نزدیک فیروزآباد در نزدیکی فارس، بنا شد. این کاخ، در منطقه‌ای کوهستانی و بر بالای گردنه‌ای مشرف بر جاده شیراز قرار دارد. دیوارهای خارجی قلعه، بارو مانند و مرتفع و ستونهای چهارگوشی در درون دیوارها به کار رفته بود. کاخ قلعه دختر دارای سه طبقه که در سه طرف حیاط مرکزی، اطرافهای چهار گوش با سقفهای هاللی ساخته شده بود. یکی از تالارهای کاخ، گنبد بزرگی داشته که در بالای گنبد سوراخی تعبیه شده بود. کاخ شاپور در مجموعه بیشاپور در نزدیکی کازرون به وسیله شاپور ساسانی ساخته شده است. در مرکز مجموعه بناها، یک ارگ سلطنتی با دهانه زیاد ساخته شده است. در سمت راست آن، تالار موزاییک است. در این قسمت بر روی زمین، نقشهای مختلف را با موزاییک‌های بزرگی ساخته اند که نمونه آن در جای دیگری دیده نشده است. در فیروزآباد نزدیک فارس، نمونه‌های پیشرفته‌ای از آن ساخته شده است (در گذشته به ویژه در عهد اشکانیان و ساسانیان در کف بنا و یا دیوارهای کاخها سنگهای کوچک ا لوآن به صورت جدا کنار هم قرار می دادند تا از آن تصویر انسان و یا گیاهان به دست آید). تزیینات گچبری آن نیز تنوع زیادی دارد و هیچ کدام از نقوش، شبیه به هم نیستند و می توان آن را مادر تمام گچ بریها و نقاشیهای ایران دانست. در سمت چپ بنا، حمام ایوان داری بوده است. در بالای آن، معبد آناهیتا یا محل نگهداری آب قرار داشته است. این معبد نشان می‌دهد که مربوط به زمان اشکانیان بوده و قبل از بناهای دیگر وجود داشته است. این معبد از سنگ تراش و بقیه بناها از سنگ الشه ساخته شده است. قطعات سنگ به وسیله بسترهای آهنی دم چلچله‌ای و خرده سنگ به یکدیگر قفل و بست شده‌اند. دور تا دور بنا را بارویی از سنگ الشه با تعداد زیادی برج در برگرفته بوده است. کاخ خسرو در قصر شیرین از کاخهای بزرگی بوده که از بین رفته است. در اینجا نیز به دلیل ویژگیهای اقلیمی قصر شیرین، درونگرایی به خوبی مشاهده میشود. این عمارت بر فراز ارتفاعی مصنوعی به بلندی حدود هشت متر احداث شده بود و پلکان بزرگی شبیه به پلکان تخت جمشید، صفه را با سطح باغ اطراف آن مرتبط می‌کرد. برخی از سیاحان در سفرنامه‌های خود از کاخ خسرو به عنوان یکی از عجایب دنیا نام برده‌اند. این بنا طبق سنن زندگی آن زمان به بخشهای اندرونی و بیرونی تقسیم شده بود. بخش رسمی یا بیرونی شامل ایوان طویل و وسیعی بود که به جای دیوار جانبی بر روی ستون بنا شده بود و رو به حیاط باز می‌شد و از طرف دیگر به تالار چهارگوش گنبدداری منتهی می‌شد. در امتداد محور اصلی بنا دو حیاط بزرگ داخلی به دنبال یکدیگر قرار داشتند. در دو جناح جانبی بنا و پشت آخرین حیاط درونی، عمارات مسکونی کوچک و ساده‌ای بنا شده بودند که هریک مستقل حیاطی اختصاصی و ایرانی رو به غرب داشته است. واحدهای مستقل مسکونی به وسیله دالانی طویل به یکدیگر مرتبط می‌شدند. سالهای بعد، حیاطها و عمارات مسکونی دیگری به مجموعه اضافه شدند. خصوصیت ویژه این کاخ، امکان توسعه و گسترش آن بر اساس نظامی از پیش فکر شده است (همان).

شاخصترین مصالح مورد استفاده در دوره ساسانی، سنگ الشه با مالط ساروج است که برای بسیاری از بناهای شاخص این دوره مورد استفاده قرار گرفته است. این سنگها بدون رگچین و با مالتی که به سرعت سفت می‌شد، بر روی هم انباشته می‌شدند. خشت، گل و چینه نیز همچنان مورد استفاده بود (دامغان، استخر، حاجی آباد، تیسفون، کوه خواجه). خشتهای مورد استفاده در حاجی آباد به ابعاد ۱۰×۳۷×۳۷ سانتیمتر بودند. آجر در این دوره بیشتر برای برپایی طاق و گنبد کاربرد داشت با این حال

بناهایی وجود دارند که به طور کامل با آجر ساخته شده‌اند تیسفون، ایوان کرخه، کیش آجرها گاه به طور غیرمستعارفی در رجهای عمومی با مالط گچ چیده می‌شدند. این شیوه در بناهای اشکانی آشور، پی طاق کسرا و کاخ ساسانی دامغان دیده می‌شود(همان).

در هیچ دوره‌ای از تاریخ معماری ایران نیم دایره بعنوان قوس باربر مورد استفاده قرار نگرفته‌است. چون معماری ایرانی به تجربه نشان داده که نیم دایره در مقام مقایسه با قوس‌های خاگی(هلوچین) از مقاومت بسیار ناچیزی برخوردار است. اگر یک قوس را حول محور تقارن عمودی دوران دهیم پوسته‌ای که در فضا ایجاد می‌شود گنبد است. بنابراین گنبد از دوران یک قوس حول محور تقارن عمودی آن بوجود می‌آید. (این تعریف ریاضی گنبد است). از ویژگی‌های گنبد ایرانی این است که آنرا بر روی زمینه چهارگوش بنا می‌کرده‌اند. برای این کار می‌بایست اول مربع را به هشت گوش و سپس شانزده گوش و بالاخره به دایره تبدیل می‌کردند و این کار فقط با پوشش گوشه‌ها امکان پذیر می‌شد. معماران ایرانی برای پوشش گوشه‌ها دو روش پدیدآوردند که یکی را «سکنج» و دیگری را «ترنبه» می‌گویند. سکنج، کنج بیرون جسته و ترنبه حفره پیش آمده است. سکنج و ترنبه با چوب و سپس به کمک طاق‌های کوچک بیضی و شیپوری اریب بصورت فیله‌پوش و گوشوار ساخته می‌شدند. بطور کلی در فرم‌های قوسی و گنبد انتقال نیروی وزن اصولاً با مکانیزم پوسته‌ای (غشایی) و اندکی نیروی خمشی صورت می‌گیرد. از اینرو فرم‌های قوسی شکل هلوچین و خاگی مناسب هستند چون شکل آنها به منحنی انتقال نیروها (منحنی «فونیکلوریک»)^۱ نزدیک است لذا قوس‌های خاگی مقاوم تر و بادوام تر از سایر قوسهای شناخته شده است. در سرزمین‌های دیگر مثلاً روم یا یونان شکل نیمکره را برای گنبد بر می‌گزیدند و چون منحنی نیروها میان‌تار رانش بر شکل نیم دایره (نیم کره) منطبق نمی‌شود برای جلوگیری از رانش ناگزیر از ضخیم نمودن بیش از حد جرزهای جانبی گنبد خانه و حتی خود پوسته گنبدی بوده‌اند در صورتیکه معماران ایرانی شکلهای تخم‌مرغی و هلوچین (بیز - تاب) را برای ساخت گنبد یا قوس بکار می‌بردند که این فرم‌ها خودبخود میان‌تار رانش بوده‌اند. این حسن انتخاب برای فرم قوس و گنبد ضمن اینکه حاکی از درک والای فنی معمار ایرانی است به او اجازه میداد که بتواند ضخامت گنبد را در پاکار (شروع گنبد از پائین) تنها به اندازه یک شانزدهم دهانه گنبد بگیرد که البته هرچه بالاتر میرفت نازکتر می‌شد تا به «کلاله» می‌رسید. بتدریج هر قدر گنبد از پاکار به بالا می‌رود (کلاله) ضخامت پوسته آن کمتر می‌گردد(کاظمی، ۱۳۹۷).

سلسله ساسانی، همانند هخامنشی، از استان فارس سرچشمه گرفته است. آن‌ها خود را جانشینان هخامنشیان می‌دانستند که بعد از دوره‌های هلنی و سلسله پارت برای بازگرداندن عظمت ایران تلاش می‌کردند. اما در معماری، با احترام به معماری هخامنشی، روش آن‌ها را پی نگرفتند و بیش‌تر از معماری عیلامی که معماری بوم‌آورد تریست سرمشق می‌گیرند. همچنین می‌توان تأثیر زیاد معماری روم و بیزانس را در آن دید. شاید دلیل آن را بتوان در عدم توانایی حکومت ساسانی در به‌کار بردن مصالح گران‌قیمت و کم‌یاب در ایران -سنگ و چوب که در زمان هخامنشیان از مصر و لبنان آورده می‌شده‌اند- و زیاد بودن مصالح خشتی و خاک جست‌جو کرد. هم‌چنین بناهای سنگی هخامنشی برای استحکام لازم باید روی خاک سخت دامنه کوه بنا شوند اما ایرانیان بعد از حمله‌ی یونانی‌ها به دشت‌نشینی عادت کرده‌بودند(کوشکی، افتخاری ۱۳۹۵).

رسم نوشتن روی سنگ‌ها (سنگ‌نوشته‌ها) در این دوره ادامه می‌یابد. دو امپراتوری ساسانی و روم در تعارض‌های خود به سرزمین‌های یکدیگر بهانه‌های مختلفی برای جنگ و درگیری داشتند. بدون شک جنگ‌های ایران و روم شرقی(بیزانس) به نحو بارزی مهم‌ترین و عامل تأثیرگذار در انتقال تبادلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری بین دو کشور بوده است. ایران دوره ساسانی در طی این تماس‌ها و جنگ‌ها آنچه را که برای پیشرفت فرهنگ و تمدن خود لازم داشت از روم شرقی (بیزانس) اقتباس کرد و در مقابل نیز بر فرهنگ آنان تأثیر گذارد. ایران که به جهت وضعیت جغرافیایی‌اش محل رفت و آمد

^۱ - معمارس سنتی ایران آنها را میانار می‌نامیدند.

اقوام مختلف بوده، طی قرون و اعصار دارای تمدن و فرهنگ خاصی گردیده است، بدین معنی که تاثیر پذیری از فرهنگ و تمدن جهان شرق و جهان غرب، فرهنگ دیگری را به اینجا عرضه داشت که با نهادن جوهر ملی و قوی و نبوغ هنری خود در آن بر تارک فرهنگ ها و تمدن های جهان باستان درخشیدن گرفت و آنرا تحت نفوذ خود قرار داد. در حقیقت در تمدن و فرهنگ خود نقش آموزگار را برای بیشتر کشورهای آسیایی و اروپایی داشته، به همین جهت تاثیر زیادی در تاریخ تمدن عالم داشته است و در قرون متمادی بین سایر ملل قوه مولده را دارا بوده است. روابط سیاسی و فرهنگی ایران و امپراتوران روم شرقی از جمله مسائل مهم و اساسی در تاریخ ایران عصر ساسانی است.

وقتی دو تمدن بیش از هزار سال با یکدیگر برخورد داشته باشند، مبادلات بیشماری بین آنها صورت می گیرد. (کومون، ۱۳۷۷) با وجود دشمنی آشکار، دو امپراتوری به عنوان دولت های هم پایه شناخته شده در کنار هم به زندگی ادامه دادند و ابهام این وضع در پژوهش های کنونی نیز بازتاب یافته است. در دوره اخیر شماری از پژوهشگران ضمن قبول دشمنی میان دو رقیب همچنان استدلال میکنند که شباهت های برجسته ای میان آنها وجود داشته و دو امپراتوری ایران و روم در آیین های درباری، هنر، قانون، مالیه و نهادهای اداری تاثیرات متقابلی بر یکدیگر داشته اند. برخی تا آنجا پیش رفته اند که دعوی گه گاهی منابع سده های میانه را که میگویند پاره ای از شاهان اخیر ساسانی، یعنی یزدگرد یکم، خسرو یکم انوشیروان، و به ویژه خسرو دوم پرویز پنهانی به آیین مسیح در آمده بودند جدی تلقی میکنند.

ارباب تحقیق جهان ایرانی را در روزگار ساسانیان یک جامعه اشرافی محض شمرده و فقط طبقات عالی را نماینده این جامعه دانسته اند. در هر صورت باید طبقه نجبا و اشراف و دهقانان ایرانی را در حفظ آثار باستانی ایران یکی از عوامل بسیار موثر دانست. آثار ملی هر قوم بیشتر در دودمان های کهن و خاندان های اصیل نگهداری میشود، درباره ایران باید این مطلب را به طور قطع تصدیق کرد. زیرا در یک جامعه اشرافی طبقه بزرگان و اشراف برجسته ترین مظهر خصایص ملی و بهترین مرکز آثار فرهنگی و اسناد تاریخی قوم به شمار میروند.

در ایران سلسله های مقتدری پا به عرصه وجود گذاردند، بواسطه شجاعت و هوش و اقدامات قائدین بزرگ تسلط خود را از هندوستان تا مصر و از سواحل دریای مدیترانه تا آسیای مرکزی امتداد دادند. ایران ساسانی که در مقابل امپراتوری بزرگ روم یعنی قویترین مملکت نظامی آن عهد استقامت کرد و نیروی ابر قدرتی خود را همچنان حفظ کرده، هم زمان و در اثر برخوردهای نظامی و سپس بازرگانی رابطه تنگاتنگی در زمینه تمدن و فرهنگی نیز بین آن دو ایجاد گردیده که داده های ایران افزون تر از گرفته های آن بوده است (میرسعیدی، مردانی، ۱۳۸۹).

در آن روزها جنگ سبب قطع کامل سایر روابط زمان صلح نمیشد شاید هنرمندان آزادانه بین مناطق دو سرزمین رفت و آمد داشتند. محتملا تا حد زیادی نتیجه این قبیل رفت و آمدها بود که بعضی افکار ایرانی در روم نفوذ کرد. حتی قبل از زمان بیزانس، این فکر که امپراتور نه فقط پس از مرگ بلکه در زمان حیات خود نیز جنبه الوهیت دارد، از ایران زمین به روم سرایت کرد. و هر چند مسیحیت به این اعتقاد پایان بخشید، باز هم امپراتوران بیزانس همیشه رئیس کلیسای روم نیز بودند و حتی پس از بت شکنیها شخصیت نیمه مذهبی خود را حفظ کردند. در امور دنیوی نیز امپراتور بیزانس از چندین لحاظ بیشتر به یک سلطان شرقی شباهت داشت تا به یک پادشاه غربی. فکر اصلی رومی پرنسیپاتوس یا رئیس قوم جای خود را به سلطان مستبد شرقی داد که از همان اوان درباریان بسیار با لباس های فاخر او را احاطه میکردند و درباری مجلل و یک سلسله کاخ های عالی داشت (کوشکی، افتخاری ۱۳۹۵).

لباس های سلطنتی بیزانس قبل از قبول مسیحیت در این کشور به وسیله دیوکلسین، از روی لباس های سلطنتی ایران اقتباس شده و مزین به جواهرات قیمتی و سنگ های گران بها بود. افکار بی شمار دیگری چه در زمینه هنری و چه در زمینه عقاید

در همین موقع از ایران به روم سرایت کرد که مهم‌تر از همه تمایل به داشتن خزانه بسیار غنی و نقاشیهای تند رنگ دیواری بود که در فاصله کمی، از اختصاصات دائمی کلیه تاسیسات مذهبی بیزانس شد. (رایس، ۱۳۸۸) تاثیر روز افزون ایران تنها در حوزه اندیشه‌های دینی نبود. پس از استقرار ساسانیان کشور ایران بار دیگر متوجه اصلیت خود شد، سلسله ساسانیان دوباره سنن ملی را احیا نمود، سلسله مراتب روحانیان رسمی را تجدید سازمان داد و اتحاد سیاسی کشور، که در دوره پارتیان ضعیف شده بود، دوباره مستحکم گشت. ایران که امپراتوری مجاور خود را دستخوش اختلافات و از هم گسیخته میدید و شاهد زوال اقتصادی و اخلاقی آن بود به برتری خود پی برد و آن را نشان داد. مطالعاتی که در حال حاضر درباره تاریخ آن دوره انجام میشود هر چه بیشتر نشان می‌دهد که روم تضعیف شده، به مقلد ایران تبدیل شده بود. به نظر معاصران، آداب دربار دیوکلتین، از به خاک افتادن و تعظیم آنها در برابر پادشاهی که همپایه خدا تصور میشد تا سلسله مراتب پیچیده ایشان و انبوه خواجهگانی که مایه ننگ دربار بودند، همه تقلیدی از دربار ساسانیان بود. گالریوس با صراحت اعلام کرد که الگوی حکومت مطلقه ایرانی باید در امپراتوری روم رایج شود. حکومت مردمی و کهن قیصرها که براساس اراده مردم بنا شده بود به نظر میرسید که در حال تبدیل به نوعی خلافت بود. (کومون، ۱۳۷۷) فرهنگ بیزانسی، علاوه بر ریشه‌های باستانیاش، از روابط امپراتوری با جوامع خاور نزدیک، به ویژه شاهنشاهی ایران، متأثر بود. مثلاً بیزانسیها مجموعه تشریفات دور بر امپراتور را از ایران اقتباس کردند. آن‌ها همچنین ردهای بدون آرایه رومی را با کت‌های ابریشمی ایرانی با طرح‌های تزئینی عوض کردند. چنان که پژوهشگر ویل دورانت مینویسد: «از ... ایران، از ... سوره، از ... مصر، عوامل تاثیر گذار... شرقی به داخل بینانیتوم سرازیر شد ... شرق ارایه مجلل را به سادگی خشک و خشن، لباس ابریشمی زیبا را به ردای بدریخت ترجیح میداد.» (کوریک، ۱۳۸۷) ایران بواسطه هنرهای گوناگون خود مشهور بوده است، بطوری که در دوران مورد بحث بزرگترین و غنیترین بزرگان رومی مبالغه‌گرافی را برای بدست آوردن پارچه‌ها یا اشیاء بلورین دروه ساسانی میپرداختند. به هر حال ایرانیان دارای ذهن روشن بوده و قادر بودند راه‌های پر پیچ و خم صنعت و هنر را طی کرده و با در نظر گرفتن آداب و سنن به آفریدن آنان بپردازند.

هنر ساسانی را میتوان نقطه اوج یک هزار سال پیشرفت هنری دانست. میتوان عناصر هنری یونان و روم و هنر شرقی کهن و ایرانی خالص مانند نقش‌های شاه بر پشت اسب را که از ابتکارهای دوران ساسانی است از هم باز شناخت. تجدید حیات هنر یونانی در دوران کوتاه شاپور اول چندان سدی در راه پیشرفت هنر ایرانی زمان پارتیان و پیوستگی آن به کارهای هنری روزگار اردشیر و خسرو پدید نیاورد. (فرای، ۱۳۸۶)

قبل از هر چیز باید در نظر گرفت که در دوره ساسانی صنعت و هنر به چه چیزهایی اطلاق میشده و منظور از آن چیست. در قرون قدیم صنعت به معنی امروزی و دارای شعب مختلف نبوده، امروزه کلمه صنعت برای ما چنین تداعی میشود که فرآورده‌های آهن و چرخ‌های عظیم به حرکت درمی‌آید و اگر همین صنایع را مقداری ظریف‌تر کنیم به تابلو‌ها، قطعات موسیقی، کتاب‌های شعر، مجسمه‌ها، ابنیه‌ها و امثال آنها برخورد مینمائیم که در نتیجه به هنر نقاشی، ادبیات و نجاری و معماری و نظایر آنها تعبیر میشود (کاظمی، ۱۳۹۷).

در یونان قدیم تا حدی مجسمه سازی و نقاشی و صنعت کوزه‌گری و معماری از همدیگر جدا بودند و هر کدام صنعتی خاص به شمار میرفتند؛ ولی در موقع زوال تمدن یونان این موضوع هم فراموش شد، طی قرون جدیدتر بزرگترین هنر، صنعت معماری گردید. چون این صنعت در ساختن منازل، معابد و قصرها و غیره مورد نیاز بوده و صنایع دیگر مانند حجاری، نقاشی، پارچه بافی، شیشه‌گری و صنایع چوب و فلز همه برای تکمیل و تزئین قصرها، معابد و سپس کلیساها بکار رفته میشد. که این تا دروه رنسانس بطول انجامید. در این دوره صنایع بتدریج از هم جدا گردید. نکته قابل ذکر این است که در دنیا هیچ تمدنی نیست که بر تمدن دیگر متکی و مربوط نباشد. تمدن از اجتماع و از رفع احتیاجات آن بوجود آمده است. و چون اجتماعات با

هم مربوط هستند، تمدن و اثرات آن هم با هم ارتباط دارند. این است که اگر می بینیم که ملتی از ملت دیگر اقتباس کرده، جای تعجب ندارد و امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است.

هنر بیزانسی هنری است دورگه، عنصرهای این هنر از سرزمین‌های همسایه و ولایت‌های بیزانسی فرآمده است. تاثیرهای یونانی نیرومندتر بود و مسلط‌تر باقی ماند. اندیشه پوشاندن بام باسیلیکا با گنبد، سرچشمه سوری داشت. نوع آرایشی که شامل طرح‌های هندسی و طرح‌های درهم تنیده آرابسک است، سرچشمه‌اش کشورهای اسلامی است. طرح‌های سنتی جانوری و اشکال گیاهی منشأش ایران و کشورهای زیر نفوذ ایران است. همه این عناصرها عمیقاً از سنتهای یونانی کهن متأثر بود، سنت‌هایی که برای شکوهمند ساختن دین مسیحی، برترین فلسفه زندگی رایج در میان بیزانسی‌ها، به کار گرفته شده بود. (لوکاس، ۱۳۸۲) عشق به تجمل شگفتی انگیز و شکوه حیرت آور که بیزانس در سراسر دوره‌های تاریخش باز نموده است، در همه هنرهای بیزانس دیده میشود هنر بیزانس، چه با آذینگری دیوارهای کلیساها با صحنه‌هایی از تاریخ مقدس، که با چیره دستی نمایش داده میشد و هدفش شکوهمند ساختن خدا، بیان نکته ای دینی یا تفسیر شاعرانه دینی بود، و چه شکوهمند نشان دادن عظمت فرمانروا و لذت بخشیدن به دربار و اعیان و اشراف، مضامینی را تصویر میکردند که بیشتر حال و هوای شرک آلود داشت و از تاریخ یا اسطوره های کهن، صحنه های بدیع هنر یونانی‌مآبی به وام گرفته شده بود، نیز نقاشی-های تاریخی که پیروزی‌های امپراتوران و چهره شاهزادگان را با جلال و جبروت نشان میداد، همه جا از عشق به عظمت حکایت میکند. (دیل، ۱۹۲۳) هنرمندان بیزانس، در موزائیک سازی و تهیه کتابهای خطی استاد بودند. آن‌ها، موزائیک را با سنگ‌های ریز و قطعات شیشه‌ای و دیگر موادی که در شفته قرار میدادند، میساختند. این نوع موزائیک ها، بر اثر وجود رنگ های درخشان طلایی در زمینه های آبی و سرخ و ارغوانی بسیار خیره کننده بودند. (نوذری، ۱۳۷۳) در زمینه حجاری طرح محبوب ایرانیان، که صورت حیوانات بود، در مغرب زمین تقلید شد و پاره ای تخته سنگ های موجود در موزه عثمانی، طرح هایی دارند که از مشرق زمین الهام گرفته‌اند. یکی از آنها طرح کهن ایرانی، یعنی نبرد بین شیر و گاو، را نشان میدهد. در باب وجود عناصر ساسانی در جهان بیزانس چند مورد دیگر را میتوان ذکر کرد: چکمه‌های نرم و بلندی که در موزائیک سن ویتال در راونا بر پای ژوستینین دیده میشود مخصوص ایران است. تاج تئودورا به طوری که بر روی سکه ها نقش شده، مبتنی بر اساس ساسانی است، زیرا دو گوشه کوچک در هر طرف صلیب بالای تاج نمایان است و این گوشه‌ها در حقیقت اقتباس سبکی از بال‌هایی است که همه‌جا در آثار ساسانی دیده میشوند و با وضوح تمام تقلیدی از کلاه‌های ساسانی، مثلاً کلاه خسروپرویز است. تاج‌های شخصیت‌های سلطنتی دوره های ابتدایی بیزانس، بخصوص تاجی که تئودوزیوس دوم در منولوژی بازیل دوم بر سر دارد و تاج تخم‌مرغی شکل سلاطین بعدی، از نوع ساسانی است. مورد دیگر وجود رابطه بین طرح های ایرانی و بیزانس، به کار بردن سگک های مشابهی مانند سگک شال گردنی است که در مجسمه ستون تئودوزیوس در قسطنطنیه بر تن دارد و نیز قلاب شال گردن امپراتور در مجسمه عاج بابری نی موجود در موزه لوز، عینا شبیه سگک هایی است که در پاره ای از کنده کاریهای ساسانی، بخصوص مجسمه اردشیر در نقش رستم و مجسمه شاپور اول در نقش رجب و مجسمه شاه ناشناسی در دارابگرد، مشاهده میشود. در زمان ژوستینین این نوع قلاب و سگک متروک شد، ولی نوع دیگر گردنبند ایرانی تا مدتی طولانی رواج داشت و در آثار بیزانس تا تاریخ های جدیدتری دیده میشود. (رایس، ۱۳۸۸)

سبک معماری ایران باستان با سیر تکاملی خود به خارج از مرز کشور نفوذ و گسترش یافته و در سبک های معماری جهانی تاثیر گذاشت و در بعضی نقاط نیز مورد تقلید و استفاده معماران کشورهای دیگر جهان آن روز قرار گرفت (حکمت، ۱۳۵۰). در این دوره هنر معماری پیشرفت قابل توجهی کرده و ساختن کاخ‌های مجلل معرف این موضوع است، در این دوره هنر متعلق به جامعه است. به علت جریان شدید پول و گسترش بازرگانی و اقتصاد شکوفای جامعه، شهرهای عظیم در این دوره پدید آمد و معماری پلان و فرم ویژه این دوره راه یافت، فرمی که قابلیت اجرایی شیوه های آن چه در قصر و کاخ دولتی و چه در یک

خانه معمولی امکان‌پذیر است. پوشش گنبدی با مصالح بومی مثل سنگ، خشت، آجر و بدون استفاده از چوب و مصالحی مانند گچ و ساروج استفاده از گچ‌کاری و موزاییک‌کاری برای تزیین او عوامل اصلی معماری دوره ساسانیان است. (توحیدی، ۱۳۸۸) هنر و معماری ساسانیان تحول یافته هنر اشکانی است.

ساخت شهرها بر اساس طرح مدور و بنای کاخ‌ها با ایوان‌های عظیم میراث اشکانی است. سبک معماری ساسانیان عمیقاً تابعیت از سنن قدیمی و توجه به معماری پارتی دارد (آتشکده‌ها)، همچنین در معماری به تقلید از هخامنشیها از گیلوییهای مصری استفاده میشده است (انصاری، ۱۳۸۷). سلسله ساسانی با آن همه کوششی که در زنده کردن عظمت ایران داشت و ایران را به همان شوکت زمان هخامنشیان رساند و مملکتی را که در زمان اشکانیان تجربه شده بود دوباره متحد ساخت، تنها چیزی را که به شکوه و جلال پیشین نرساند معماری بود و در معماری آن عظمت پیشین را برقرار نکرد و چون سبک‌های معماری در زمان ساسانیان تغییر یافته بود و بناها را از مصالح کم دوام میساختند آثاری که از آن مانده عظمت و شکوه آثار هخامنشیان را ندارد و به همین جهت بقایای آثار دوره ساسانیان در حال انهدام است و گاهی برخی سرستون‌ها یا گچ‌بریها از آن زمان بدست می‌آید که اطلاعاتی در باب حجاری و معماری دوره ساسانی می‌دهد (نفیسی، ۱۳۸۸). روش تازه‌ای که در معماری دوره ساسانیان دیده میشود استعمال کلاف‌های چوبی است که در میان دیوار افزوده میگردد، دیگر از مشخصات معماری عهد ساسانی پیشرفت فن گنبد سازی و ساختن طاق‌های قوسی و استفاده از آن در ساختمان‌های عظیم و با شکوه است که نمونه‌های آن در آثار این دوره دیده می‌شود. از مشخصات دیگر معماری این عصر ساختن گنبد بر روی پایه چهار گوش است، در صورتی که رومیان فقط بر روی ساختمان‌هایی که پایه آن دایره یا هشت گوش بود توانسته اند گنبد بسازند. این هنر ساختن گنبد بر روی پایه‌های چهار گوش در قرون بعد از اسلام تکامل پیدا کرده و هنر مقرنس‌کاری نیز برای تکمیل و زینت گوشه‌ها بوجود آمده است. (تاج‌بخش، ۱۳۸۱) کاخ‌ها و پی‌افکندن شهرها جلوه‌هایی هستند از هنر ساختمانی ساسانی. از مهم‌ترین شهرها که ساسانیان پی‌افکندند اردشیرخوره یا فیروزآباد و بیشاپور است، کاخ‌های شهرهای شاهی در کنار شهر یا حتی در بیرون حصار شهر جای داشتند. خصوصیت ممتاز آن‌ها ایوان مرکزی شان بود، فضایی طاقدار که از یک سو باز بود و تالار بار شاهان بود. کاخ‌ها و بناهای دیوانی را از خشت میساختند، که مهمترین مصالح ساختمانی بود، از گچ‌کاری و گچ‌نماها برای تزیین فضاهای درون و برون آنها استفاده میکردند. در اردشیرخوره ایوان بزرگ مرکزی آن به یک تالار گنبد دار ختم میشد. این تالار را بر یک طرح مربعی ساخته اند، اما گنبدی مدور بر آن زده اند که نوآوری در معماری که با استفاده از عنصر سه‌کنجی به دست آمده است. آتشکده‌ها یا چهارطاق - ها در سراسر شاهنشاهی به چشم میخورد و به افتخار شاه و اعضای خانواده اش آتش‌هایی می‌افروختند و ظاهراً چنین کاری را نجبا نیز برای خانواده‌های خود میکردند. مثلاً آورده اند که مهر نرسی، بزرگ فرماندار بهرام پنجم، برای خود و سه پسرش آتشکده‌هایی ساخت (برسیوس، ۱۳۸۸). شاخص‌ترین عنصر در هنر معماری ساسانی، ساختن بناهای ایوان دار است. ایوان در معماری ساسانی بر مظاهر و عناصر دیگر معماری این دوره از تاریخ ایران حرف اول را می‌زند.

ایوان‌های دارای سقف‌های عمدتاً رواق گونه که از هنر معماری پارتی اقتباس شده است، میباشند.

قالب کلی معماری ساسانی در ارائه ایوان شناخته میشود. (خدادادیان، ۱۳۸۶) معماری ساسانی گذشته از اقتباس از هنر روم و خاورمیانه و دیگر همسایگان بیشتر دنباله روی معماری هخامنشی و اشکانی و در نهایت علاقمند به احیاء سنت‌های معماری ایرانی بود. و بجز گنبد عناصر دیگر معماری آن، کلاً با معماری سنتی پیشین شباهت دارد. پدیده گنبد سازی در عهد اشکانی مقدمه‌ای برای گنبد سازی بطور وسیع در عصر ساسانی بود که قبلاً در کوه خواجه سیستان تجربه شده بود. (انصاری، ۱۳۸۷) مشهورترین بنای دوره ساسانی طاق کسری یا ایوان کسری است که عظمت این بنا موجب تحیر اعراب

گردیده ولی امروز جز خرابه های مسقف چیزی از آن باقی نمانده است. این بنا را به انوشیروان نسبت می‌دهند ولی هرتسفلد عقیده دارد که این بنا در زمان شاپور اول ساخته شده است. نمای این بنا در زمان شاپور اول ساخته شده است.

نمای این بنا که ۲۹ متر ارتفاع دارد، دیواری بوده بی پنجره ولی دارای طاق نماهای متعدد و ستون های برجسته و طاق های کوچک، نمای عمارت از ساروج بنفش و سنگ های مرمر و به عقیده بعضی از صفحات مسی و زراندود و نقره ای پوشیده بوده (تاج بخش، ۱۳۸۱) در سقف تالار ۱۵۰ روزنه به قطر دوازده تا پانزده سانتی متر تعبیه کرده بودند، که نوری لطیف از آنها به درون میتافت و در این روشنایی اسرار آمیز منظره آن همه شکوه و جلال و تجمل، اشخاصی را، که برای دفعه اول به اینجا قدم نهاده بودند، چنان میبهوت میکرد، که بی اختیار به زانو در می-آمدند. (کریستن سن، ۱۳۷۷) و همچنین کریستن سن در باره طاق کسری مینویسد: طاق کسری، که مقر عادی شاهنشاه بود، بنایی بود که از لحاظ ساختمان تا حدی ساده، لکن حیرت و اعجاب نظرگان در برابر این بنا بیشتر به علت عظمت و شکوه و ضخامت اضلاع آن بود تا زیبایی کلیات و جزئیات آن.

مهمترین و قدیمی ترین آثار معماری و کاخ سازی این عهد عبارتند از: ۱- کاخ فیروز آباد در فارس ۲- کاخ شاپور یا بیشاپور ۳- طاق بستان در کرمانشاه ۴- کاخ سروستان در فارس ۵- طاق کسری یا ایوان مدائن ۶- عمارت خسرو، موسوم به قصر شیرین ۷- برج پایکولی (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

بناها و فضاهای معماری ساسانی

تمرکز معماری ساسانی به ساخت بنای کاخها و معابد، استحکامات نظامی، برج های یادمانی و ... با استفاده از نقشه هایی با عنصر مسلط ایوان، گنبدخانه و صحن است و این نوع از معماری ایرانی توانایی بسیار در برپایی سازه های طاق و گنبد، استفاده استادانه از مصالح در دسترس، به ویژه سنگ لاشه و ملات گچ، استفاده گسترده و هنرمندانه از تزیین گچبری و ... داشته است.

بناهای مذهبی در معماری ساسانی

آیین زردشتی دین رسمی ایران دوره ساسانی بود و بناهای مرتبط با این دین از جایگاه مهمی برخوردار بودند. با این حال گونه شناسی این بناها محل بحث است. نظریه ی غالب این است که ساختمان اصلی معابد، بناهای چهارطاقی مستقلی بودند که در زیر آنها آتش مقدس فروزان بوده و در طول مراسم مذهبی از دهانه های چهارگانه برای مؤمنان قابل مشاهده بوده است.

از نقطه نظر معماری بناهای مذهبی دوره ساسانیان را می توان به سه دسته کلی تقسیم بندی نمود:

۱- مجموعه های مذهبی که هسته مرکزی آنها را یک چهارطاقی گنبددار و راهرو مسقف پیرامون آن تشکیل می دهد و فضاهایی با کارکردهای مختلف پیرامون این بخش قرار می گیرد.

۲- آتشکده ها و آتشگاه های آزاد و مستقلی که شامل یک چهارطاقی گنبددار و راهرو مسقف پیرامون آن می شود.

۳- چهار طاقی های گنبد دار و مستقلی که چهار دهانه وسیع و گشاده به اطراف دارند و فضای داخلی آنها از همه طرف قابل مشاهده است.

از مهمترین بناها که از فرهنگ رومی نیز میتوان در معماری آن به چشم دید میتوان به معبد آناهیتا در کنگاور و کاخ فیروزآباد اشاره کرد:

معبد آناهیتا در کنگاور

کاخ کنگاور در فاصله بین همدان و کرمانشاه را بعضی متعلق به دوره سلوکی و برخی متعلق به دوره پارت و عده‌ای هم مربوط به اواخر دوره ساسانی می‌دانند. در اینجا یک حیاط بزرگ چهارگوش با دیواره بلند وجود داشت که در روی آن ستون‌هایی قرار داشتند و در وسط آن معبدی به سبک یونانی با ردیف‌هایی از ستون‌ها وجود داشته است. آقای مالکوم کالج نویسنده کتاب پارتیان در صفحه ۱۱۰ کتاب خود در این مورد می‌نویسد: انحرافی که معماران طراح شکل‌های یونانی در ساختن این مکان مقدس پدید آورده‌اند مایه تعجب باستان‌شناسان آثار یونان و روم شده است و آقای فلاندن هم در حدود ۱۵۰ سال پیش این مکان را با معبد خورشید در پالمیر مقایسه کرده است. با توجه به اینکه این اختلاف‌ها در هیچ بنای مسلم پارتی در ایران شناخته نشده‌اند، در مورد این بنا جای بحث زیاد است. از کنگاور که بگذریم در نجد ایران آثاری که بتوان آن را شاخصی از هنر و معماری دوره پارت دانست، به دست نیامده، اخیراً در غرب ایران دربان زرده (بابا یادگار) مشرف به جلگه ذهاب (سرپل ذهاب) حفاری‌هایی صورت گرفته و آثاری از دوره پارت‌ها نمایان شده که مخلوطی از هنر یونانی و ایرانی است و آن را بیشتر متعلق به اواخر دوره پارت می‌دانند.

آی خانم در شمال شرقی افغانستان در استان طالقان امروزی و در سرحدات شرقی باکتریا (باختر) واقع است. آی خانم، نام روستای کوچکی است که در نزدیکی مجموعه آثار باستانی واقع است. واژه آی خانم به معنای ماه خانم است. در سال ۱۹۶۴م کاوش در آی خانم به سرپرستی پاول برنارد آغاز شد، دانیل اشلومبرژه در اوایل دهه ۱۹۶۰م از این محل دیدن کرد و معتقد است در آی خانم بقایای یک شهر بزرگ یونانی است که احتمالاً به دست اسکندر بنا شده است. اما هنوز مدارکی که درستی این نظریه را اثبات کند، پیدا نشده، گرچه برنارد عقیده دارد که این شهر را باید اسکندریه آراخوسیا (قندهار) دانست. شهر آی خانم در محلی که به خوبی قابل دفاع بود قرار داشت. دو طرف شهر را که تقریباً به شکل مثلث است رودخانه سیحون و رود کوکچه که به آن ملحق می‌شود گرفته، در حالی که ضلع سوم را که طولانی است بارویی قطور حفاظت می‌کند. این شهر به شیوه متداول یونانی از یک پاستیون یا ارگ مرکزی که روی صفه‌ای سنگی ساخته شده و قسمت‌های سفلی شهر توسط یک خیابان شمالی-جنوبی که از ارگ آغاز می‌شود و شهر را به دو بخش تقسیم می‌کند، تشکیل شده است. کاوش‌ها بر قسمت‌های سفلی شهر متمرکز بوده است. از جمله این بناها ورزشگاه، یک معبد، یک حرم یا مقبره بزرگ که احتمالاً متعلق به فرماندار شهر بوده است و مجموعه بزرگی از بناها معروف به بخش اداری در این قسمت یافت شده‌اند. در اینجا به نظر می‌رسد یونانیان مدلی برای ساختن کاخ‌های خود نداشته‌اند و در طرح و نقشه کاخ‌های خود از کاخ‌های بابل جدید و هخامنشی که برای اولین بار آنها را دیده بودند، الهام گرفتند. کاخ آی خانم مانند کاخ هخامنشی شوش، از چندین حیاط وسیع و بزرگ، ساختمان‌هایی برای کارکنان رسمی، بناهای مسکونی و تأسیسات اقتصادی تشکیل شده است. یکی دیگر از بناهای آی خانم که مشخصه فضا سازی شهری یونانی است، یعنی فواره، دارای لوله‌های تزئینی حجاری شده هستند که آب آن از طریق چشمه‌های زیرزمینی واقع در پای باروی ساخته شده در ساحل رودخانه آمودریا تأمین می‌شده است. زرادخانه آی خانم در کنار خیابان اصلی شهر و در کنار ارگ شهر واقع است. اموات در خارج از دیوار شهر دفن می‌شدند و هر خانواده آرامگاهی داشته که در آن چندین دهلیز کوچک در دو طرف یک راهرو میانی ساخته شده بود. ساختمان آرامگاه خشتی و پلان آنها مستطیل شکل است که این نوع معماری ویژه منطقه آسیای مرکزی است.

در بسیاری از جاهای پارت ساختمان‌هایی کشف شده است که پهنآوری و تودرتوبودن آنها را می‌توان دلیل بر کاخ‌بودن آنها گرفت. شاید در اینجا حاکم یا فرمانروای محلی مسکن داشتند. یک نمونه هلنیستی آن را در نیپور کهن در سرزمین بابل یافته‌اند. نقشه آن متضمن حیاطی بود در ردیف ستون‌ها که نمودار سبک یونانی است. ظواهر دیگر معماری هم نشانی از این شیوه می‌دهد ولی مصالح آن بومی و گچ و آجر است. کهن‌ترین کاخ پارتی که تاکنون کشف شده دارای شکل هلنیستی است.

این همان کاخ شاهی نسا است که در نخستین سده فرمانروایی پارتیان با مصالح محلی یعنی خشت ساخته شده است. فضای باز محیط در ردیف ستون‌ها و تالار مرکزی چهارگوش با ستون‌های غیرعادی که چندین بار در آن تغییراتی داده شده بود تزئینات و شکوه کاخ را تشکیل می‌دادند. نمای ساختمان با اشکال متوپ یا دالبر در بالای سرستون‌ها و فریز که قسمت وسطی پیشانی باشد به شیوه هلنیستی و بعضی اشکال ایرانی تزئین می‌شد. اینها همه با گل رس ساخته می‌شد. اما عوامل اصلی نقشه و تزئینات خاص و مشخص که بتوان آن را جدا از سبک یونانی و مخصوص پارتیان شناخت، در ساختمان کاخ‌ها تا اوایل سده اول م. روی نمود.

قدیمی‌ترین آثار تاریخی منتسب به ساسانیان قلعه‌ای به نام دختر و کاخ اردشیر در فیروزآباد است که هر دو در فارس قرار دارند. با اینکه این آثار و آثار بعدی شناخته‌شده‌اند، ولی پژوهشگران نتوانسته‌اند از معماری دوره ساسانی، نوعی تحول تاریخی ارگانیکی ارائه دهند. این آثار تاکنون کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند و بنابراین بیشتر معروف هستند تا شناخته‌شده‌تر؛ این آثار در سرزمین وسیعی پراکنده شده‌اند و از بسیاری لحاظ با یکدیگر متفاوت‌اند، برخی ساختمان‌های بدون تالی و بی‌نظیرند و عناصر اصلی آنها چندان شباهتی با هم ندارند و بیشتر بر اساس سنن محلی که اطلاعات کمتری راجع به آنها وجود دارد، شکل گرفته‌اند. معماری پارتی را بایستی در شکل‌گیری ویژگی‌های معماری ساسانی از عوامل مؤثر به حساب آوریم. مع‌الوصف در مقایسه بین آنها باید جانب احتیاط را رعایت کرد، چون درخصوص وجود معماری پارتی در خاک ساسانیان اسناد و شواهد مستقیمی وجود ندارد؛ آثار پارتی به استثنای کوه خواجه در سیستان، در بیرون از منطقه ایران- یعنی آشور، هاترا و یا در ناحیه فرهنگی متغیر خارج از ایران مثل نسا قرار دارند. با وجود این، معماری دوره ساسانی یکی از ویژگی‌های اساسی خود را مدیون پارتیان است: یعنی ایوان با اتاق گنبدداری که سه طرف آن محصور به دیوار و جهت چهارم کاملاً باز است. همچنین در شکل‌گیری آثار عمومی نظیر پل‌ها و سدها تأثیر شدید فرهنگ رومی مشهود است.

کاخ فیروزآباد

کاخ فیروزآباد را که در اصطلاح محلی به کاخ ساسانی معروف است، گاهی به غلط آتشکده معرفی کرده‌اند و بعضی همچنان بر این عقیده‌اند که این مکان آتشکده بوده است. در صورتی که عملکرد این بنا به صورت قصر و متعلق به اردشیر بنیان‌گذار قلعه‌دختر و فیروزآباد بوده است. اعتمادالسلطنه در مرآت‌البلدان آن را به عنوان آتشکده معرفی کرده و نام آن را «برم پیر» ذکر کرده است. فرصت‌الدوله نیز از این بنا به عنوان آتشکده یاد می‌کند و استاد پیرنیا نیز عقیده دارد که لازمه کاخ‌بودن داشتن تأسیساتی است که بنای فیروزآباد ندارد. در هر حال بنای معظم و کم‌نظیر باستانی کاخ فیروزآباد که امروز به صورت ویرانه‌ای درآمده، بنای مستطیل‌شکلی است در سوی باختری شهر کنونی و آن طرف رودخانه. فضای زیربنا ۱۰۴*۵۵ متر است که در جهت شمال به جنوب ساخته شده است و اردشیر پس از گشودن تمام نواحی پارس و کرمان و شکست شاهان محلی این نقاط، دستور داد تا در فیروزآباد علاوه بر تجدید بنای شهر، آتشکده و کاخی باشکوه بسازند و آن را «ایران را شکوه افزاید» نام گذارد. جدار خارجی بنا دارای تزئینات طاق‌نماشکل است و طاق‌نماها با قوس نیم‌دایره‌ای درون کادر مستطیل‌شکل ساخته و سفیدکاری شده است. ساختمان کاخ از دو قسمت مساوی تشکیل می‌شود که یک بخش شامل پذیرایی و قسمت دیگر بناهای مسکونی را شامل می‌شود.

معماری عصر ساسانی به گونه‌ای ادامه‌دهنده هنر هخامنشی است و با اینکه از جریان‌های معماری شرق و غرب جهان آن روزگار طرفی بر بسته بود، اما از اصالت و هویت فراسوانی برخوردار شد، بناهای با اهمیت چون طاق کسری یا ایوان مدائن، کاخ فیروزآباد و سروستان، کاخ شاپور در بیشاپور، ایوان کرخه، طاق‌بستان و بسیار بناهای گنبددار دیگر که ایجاد آن از دوره اشکانی آغاز شده بود، در جمع، تحول جدید معماری ایران آن عصر را آشکار کرده‌اند. کاربرد تیرها و قطعات چوبی، ساختن

قوس‌های دوتیزه (جناغی) و قوس‌های نعلی، گچ‌بری‌ها و رنگ‌آمیزی‌ها، تقاشی‌ها و کاشی‌های به‌کاررفته در تیسفون و کاخ شاپور نوآوری‌های معماران دوره ساسانی را به نمایش گذاشته‌اند.

شاید بتوان گفت که برخی از فنون معماری رومی در زمینه گسترش معماری به‌ویژه مانند کاربرد بلوک‌های بزرگ که در کاخ بیشاپور (در فارس) به دست شاپور اول انجام پذیرفت، به ساسانیان کمک کرد و توانایی‌های جدیدی را در اختیار آنان قرار داد. در واقع همان‌طور که می‌دانیم هنگامی که والرین در ادس شکست خورد و زندانی شد، لشکر وی که شامل ۷۰ هزار مرد جنگی بود به شکل اسرای جنگی در ایران ماندگار شدند. این احتمال وجود دارد که اسرای جنگی به خلق آثار تاریخی ارزشمند کمک کرده باشند، زیرا در قرن سوم میلادی نیروهای نظامی امپراتوری روم در اموری که مربوط به بنای راه‌ها، پل‌ها و سدها می‌شد اطلاعات شایان توجهی داشتند. با وجود این به نظر نمی‌رسد که درباره مسائل کاملاً فنی معماری ایران متأثر از روم باشد. درست است که روم در اوج قدرت خویش بود و تقریباً هیچ فن معماری درباره بناهای گنبدی و کروی‌شکل و خطوط و زوایای متقاطع برجسته برایش پوشیده نبود، اما باید دقیقاً خاطرنشان کرد که کاربرد هیچ‌یک از اسلوب معماری رومی را نمی‌توان در ایران بازیافت.

کاخ‌ها در معماری ساسانی

کاخ‌ها شاخص‌ترین بقایای دوره ساسانیان و مهم‌ترین کار معماران این دوره بوده است. این دسته از بناها علی‌رغم تنوع در طرح، دارای چیدمان منظم با محورهای متقارن و عنصر مسلط ایوان میباشند. کاخ‌های اردشیراول در فیروزآباد و قلعه دختر، دارای تالارهای پذیرایی به صورت ایوان عمیق با اتاقهای جانبی هستند که در برابر گنبدخانه مرکزی قرار گرفته‌اند، کاخ شاهپور در بیشاپور نمونه برجسته دیگری از اوایل دوره معماری ساسانی است.

مناطق مسکونی در دوره ساسانیان

مناطق مسکونی کمتر مورد کاوش قرار گرفته‌اند. از این رو در ارتباط با معماری مسکونی دوره ساسانیان هیچ نوع سبک شناسی مشخصی وجود ندارد. فقدان کاوش‌های گسترده، وجود تنوع زیست محیطی و سنت‌های متفاوت، معماری مسکونی این دوره را دشوار می‌سازد.

معماری خانه‌ها و فضاهای مسکونی دوره ساسانیان در محوطه‌هایی چون تیسفون، طرح ساده شده کاخ‌های این دوره هستند و اغلب شامل یک حیاط مرکزی و ایوانی در یک ضلع آن و یا دو ایوان متقابل می‌شوند. فضاهای سرپوشیده دیگر پیرامون حیاط و ایوانها شکل می‌گرفتند. خانه‌های طبقات مرفه‌تر فضاهای معماری بیشتری داشتند. در این خانه‌ها ایوان در میانه یک، دو، سه ضلع و در نقشه‌های کامل‌تر در چهار ضلع حیاط جای می‌گرفت و نقشه چهارایوانی را شکل می‌داد.

استحکامات نظامی دوره ساسانیان

با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب، این منطقه از دوره باستان همواره در تبادلات فرهنگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که گروه‌های اجتماعی زیادی با قوم‌ها و فرهنگ‌های گوناگون از این منطقه عبور کرده یا در آن ساکن شده‌اند؛ در نتیجه برهم‌کنش فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در میان آنان را در گذر تاریخ شاهدیم. یکی از مهم‌ترین بخش‌های مراودات فرهنگی شرق و غرب به روابط ایرانیان با یونانیان و رومیان در دوران تاریخی ساسانیان مربوط می‌شود که در مدت زمانی طولانی با هم در ارتباط بوده و از عناصر فرهنگی یکدیگر متأثر شده و در از آن‌ها در هنر بومی خود استفاده کرده‌اند.

دوره اشکانی و ساسانی یکی از مهم‌ترین دوران تاریخ معماری و شهرسازی ایران است. در این دوره طولانی پایه و شالوده معماری و شهرسازی ایران ریخته می‌شود؛ زیرا در این دوران شهرهای زیادی ساخته یا دوباره مورد بازسازی و مرمت قرار گرفتند که در دوران بعد این سبک شهرسازی و معماری به اوج خود رسیده و به سیر تکاملی خود ادامه داد (نوراللهی ۱۳۹۴).

بحث در ارتباط با برنامه ریزی، اجرای صحیح و کارآمدی استراتژی‌های یک حکومت، همچون تعریف واژه استراتژی کار بسیار دشواری است. داشتن قوای نظامی نیرومند و بهره‌مندی از انواع جنگ افزارهای کارآمد و روزآمد، همواره یکی از آرمان‌های حکومت‌ها در طول تاریخ بوده است. نظام‌های حاکم بر ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و سرمایه‌های مالی و انسانی خود را برای نیل به این اهداف به کار برده‌اند. پادشاهی ساسانی، آخرین حکومت ایرانی دنیای باستان پیش از حمله اعراب که از نظر وسعت جغرافیایی پس از شاهنشاهی هخامنشی، پهناورترین و قدرتمندترین دولت حاکم بر ایران بود، در بسیاری از جنبه‌های نظامی پیشرفته‌تر از حکومت‌های پیش از خود بود، اما ساسانیان بدون برنامه‌ریزی‌های دقیق استراتژیک نمی‌توانستند چنین موفق در مسایل نظامی ظاهر شوند. استراتژی بسیار متخاصمانه حکومت ساسانی چندان با تئوری‌های امروزی هماهنگ نیست، اما در دوران بسیار متزلزل باستان متاخر، مفید و کارآمد بوده است. بدون داشتن این استراتژی کلان، پادشاهان ساسانی نمی‌توانستند به تعداد بی‌شماری پیروزی‌ها و چشمگیر دست‌یابی‌ها. آنها همچنین از طریق کاربرد این استراتژی جایگاه خاندان سلطنت را در میان اشرافیت سنتی (خاندان‌های فیودال)، روحانیان، جنگ‌آوران، بزرگان و غیره حفظ و تقویت نمودند (خوانساری، ۱۴۰۰).

قلعه‌ها در دوره ساسانیان عمدتاً با نقش نظامی و امنیتی بررسی می‌شوند، درحالی‌که وسعت کاربری قلعه‌ها فراتر از مسایل نظامی و امنیتی بوده است و قلعه‌ها در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران دوره ساسانی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. قلعه‌ها استحکامات نظامی و غیرنظامی بودند که با استفاده از ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و در جهت حفظ امنیت، عموماً در ارتفاعات و مرزها ساخته می‌شدند. قلعه‌های هر ناحیه دارای کاربری خاصی بوده است؛ هرچند به طور عمده، قلعه‌ها کاربری نظامی و امنیتی و دفاع از مرزها داشته‌اند و اکثراً در نقاط سوق الجیشی و مرزی بنا شده‌اند اما، قلعه، یکی از بناهایی هست که در دوره‌ی ساسانیان از ملزومات شهرسازی محسوب می‌شده است و قلعه‌هایی با کاربری تجاری، پرستشگاه، ارگ حاکم نشین که نشان از وجود شهر و تمدن در آن دوره است، وجود داشته است. (همان)

دو قدرت (ساسانی و روم)، هدف‌های متفاوتی داشتند. درحالی‌که روم آشکاراً می‌خواست شرق را تسخیر کند تا آن را به ایالات خود تبدیل کند و سپس به تصرف دولت پارتیان بپردازد و ثروت‌های آن را به یغما ببرد، برنامه پارتیان بسیار فروتنانه‌تر بود و چیزی جز احیای پادشاهی هخامنشی و از آن فروتنانه‌تر، زیر نفوذ قراردادن ارمنستان نبود. در هیچ منبعی کمترین اشاره‌ای به اینکه ساسانیان قصد فتح روم را داشته‌اند، وجود ندارد؛ وانگهی با توجه به آرایش نیروها و تفاوت ساختاری دولت‌ها این امر ناممکن بود؛ اما روم برای اجرای برنامه کشورگشایانه خود، که هرگز تحقق نیافت، با موانع غلبه‌ناپذیری روبه‌رو شد؛ گرچه برخلاف پادشاهی پارتیان می‌توانست روی کمک متحدان بسیاری حتی در داخل ایران حساب کند. امروز تبیین دقیق این پیکارها که ما فقط به برکت منابع رومی با آنها آشنا هستیم، کار آسانی نیست؛ فقط همین قدر می‌دانیم که تهاجمات رومیان جز تصرف ارمنستان و بین‌النهرین به جای دیگری نرسید و آنها برخلاف سلوکیان هرگز نتوانستند جنگ را به داخل خاک ایران بکشانند و هیچ امپراتور رومی نمی‌توانست از تیسفون فراتر رود (خسروی، شهیدی‌یان، ۱۳۹۸).

قلعه‌های نظامی ساسانیان

دهه‌های بسیاری است که باستان‌شناسان در تلاش هستند تا دژها و قلعه‌ها را از دل خاک بیرون کشیده و مرمت کنند. در زمان‌های گذشته قلعه‌ها کاربری متفاوتی داشتند، برخی از آن‌ها محل سکونت حاکمان بودند و برخی کاربرد نظامی داشته و

سربازان اسکان می دادند. قلعه ها بنابر کاربری که داشتند در محل های مختلفی بنا می شدند، قلعه و دژهای نظامی در خارج از شهر و در دل کوه، دشت و جنگل ساخته می شدند.

در طول تاریخ بیش ترین بنایی که نقش موثری داشته است قلعه های نظامی بوده است. قلعه های نظامی به طور معمول به وسیله حکومت های همان دوره و در امتداد و راستای شهر های که از لحاظ سیاسی مهم بوده اند بنا می شدند و اصلی ترین وظیفه ای که این قلعه ها داشتند این بوده است که از پیکره شهر محافظت کنند. در ایران قلعه های نظامی در طول تاریخ نقش بسیار مهمی داشته اند و به عنوان یک عامل دفاعی در برابر دشمنان مورد استفاده قرار می گرفتند. در میان تمام ادوار تاریخی قلعه های نظامی ساسانی از قوانین و مقررات خاصی برخوردار بوده است که نقش پررنگ تری نیز داشته است. قلعه های نظامی ساسانی که در ایران از ادوار گذشته بر جای مانده است امروزه به یک جاذبه گردشگری تبدیل شده است.

با توجه به تعدد زیاد قلعه ها در آن زمان به ذکر چند نمونه بسنده کرده و چند مورد از آنها را که در زمان حکومت ساسانیان وجود داشتند را نوشته و خصوصیات آنها را به تفصیل و خلاصه بیان می کنیم.

قلعه هزار درب

سلسله ساسانیان یکی از سلسله هایی می باشد که بر ایران حکومت کرده و حکومت موفقی نیز داشته است و بسیاری از قلعه هایی نظامی ساسانی هم اکنون نیز در ایران پا برجا مانده است و از این قلعه های نظامی ساسانی به عنوان یک بنای تاریخی حفاظت می شود و به طور مستقیم تحت حفاظت سازمان میراث فرهنگی قرار گرفته است. یکی از مشهور ترین قلعه هایی که در این دوره تاریخی ساخته شده است قلعه هزار درب می باشد. ایلام یکی از استان های کوهستانی و نیمه گرم ایران است که در غرب کشور قرار گرفته است. استان ایلام از جمله استان های کمابیش جنگلی ایران است و دارای طبیعت بکر و بسیار زیبا است؛ و هم چنین آثار طبیعی و تاریخی زیادی را در دل خود محفوظ کرده است. قلعه هزار درب در شهرستان آبادان قرار دارد، شهرستان آبادان در جنوب استان ایلام و در غرب کشور واقع شده است.

این قلعه از شمال شرق نیز با شهرستان دره شهر همسایه است. در تاریخ ۲۲ تیر ماه سال ۱۳۷۹، قلعه هزار درب به عنوان یکی از آثار تاریخی ایران به ثبت ملی رسید. طبق داده ها و متون تاریخی، قدمت قلعه هزار درب ایلام به دوره ساسانیان برمی گردد، این قلعه باشکوه در آن زمان قلعه ای با کارکرد نظامی بوده است. زمانی که وارد قلعه شوید با هزارتویی از طاق های هلالی مواجه خواهید شد، می توان گفت ریشه نام هزار درب از وجود طاق های فراوان نشأت گرفته است. قلعه هزار درب بی شک یکی از جذاب ترین و شگفت انگیزترین بناها تاریخی در ایران است، این قلعه دیدنی دارای معماری خاص و طاق های هلالی زیبا است که در اکثر سازه های تاریخی ایران زمین دیده می شود. ساختار کلی این سازه مستطیل شکل است، مصالح اصلی تشکیل دهنده قلعه شامل قله و سنگ و سنگ های تراشیده است که در بین آن ها از گچ به عنوان ملات استفاده شده است. راهروهای طولی در ۴ جهت قلعه هزار درب وجود دارد که با درگاه هایی به اتاقک های قلعه متصل می شوند. این قلعه دو طبقه بوده و دارای یک زیرزمین نیز می باشد، دریچه هایی به قطر یک متر در سقف، دالان و اتاق ها تعبیه شده است تا نور و تهویه فضاهای داخلی قلعه را تامین کنند.

قلعه فلک افلاک

یکی از قلعه های نظامی ساسانی که در این دوره ساخته شده است و از مشهورترین بسیار خاصی برخوردار است قلعه فلک افلاک می باشد که در تپه های شهر لرستان واقع شده است. ساختاری که این قلعه عظیم دارد بالغ بر ۵۳۰۰ متر می باشد که

در نوع خود از نظر مساحت بسیار بی نظیر است. ارتفاعی که قلعه فلک افلاک دارد ۴۰ متر بالاتر از زمین هایی می باشد که در اطراف این قلعه وجود دارد.

قلعه سه کسان

از بزرگترین قلعه های نظامی ساسانی که در این عصر بنا شده است قلعه سه کسان می باشد که برای اینکه بتوانید از این قلعه زیبا دیدن کنید باید به قسمت جنوب غربی شهر ایلام سفر کنید. این قلعه که در ارتفاعات صخره ای این شهر قرار گرفته است از قدیمی ترین قلعه هایی می باشد که در دوره ساسانی در کشور ایران بنا شده است. دسترسی و همچنین رفتن به این قلعه کار بسیار سخت و طاقت فرسایی می باشد و کم تر کسی است که قادر است در برابر این سختی مقاومت کند و بتواند از این قلعه بازدید کند.

چون این قلعه نظامی در منطقه ای صعب العبور و صخره ای بنا شده است که رفت و آمد کردن به آن بسیار سخت می باشد. این قلعه نظامی از دوره ای که ساسانیان وارد کشور ایران شده و بر آن قصد حکومت کردند برای محافظت از دژها و شهرها بنا شده است که به علت استقامتی که در ساخت داشته است تا به امروز استوار مانده است. این قلعه نظامی از شاهکار های ساخت در دوره ساسانی بوده است که در ساخت این بنا از قلوه های سنگ و گچ استفاده شده است. اصلی ترین هدفی که معماران این قلعه در ساخت آن داشته اند این بوده است. قلعه ای بسازند که غیر قابل دسترس باشد و حتی آب انبارها که معدن آب در آن زمان بوده است را جایی در دل صخره ها بنا کرده اند. از مهم ترین ویژگی هایی که این قلعه دارد این است که دیدی ۳۶۰ درجه و کامل به محیط اطراف دارد و در نوع خود برای یک قلعه نظامی بی نظیر می باشد که هیچ دشمنی قادر به فتح کردن آن نمی باشد. این قلعه در دسته قلعه های نظامی ساسانی قرار داشته است که از آن به عنوان دانشکده نظامی نیز یاد می شده است و حتی در آن نیز به ضرب سکه نیز می پرداخته اند. اما خبر تاسف برانگیزی که در رابطه با این قله وجود دارد این است که در طی سالهای اخیر به شدت مورد هجوم افراد و تراج کسانی قرار گرفته است که آثار باستانی را به سرقت میبرند و به همین دلیل آسیب زیادی دیده است.

یافته های پژوهش:

از زمانی که انسان با کاربرد خاک، سنگ و چوب آشنا شد، برای خود سرپناهی فراهم آورد. با شروع عصر یکجانشینی و زندگی گروهی، برخی انسانها بر دیگران تسلط و قدرت یافتند، به همین سبب برای حفظ قدرت خود از همسایگانشان شروع به ساختن دژ و قلعه به شکل های مختلف کردند. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. قلعه ها استحکامات نظامی و غیرنظامی بودند که با استفاده از ویژگی های جغرافیایی طبیعی و در جهت حفظ امنیت، عموماً در ارتفاعات و مرزها ساخته میشدند.

پارت ها از بدو ورود به عرصه سیاست جهانی با رقیبی سرسخت مانند امپراتوری روم مواجه شدند که آن نیز در شرف تکوین بود. این دو قدرت همواره در برابر یکدیگر آماده دفاع یا در حال تعرض بودند. خاطر اشکانیان در طول زندگی دراز خود هیچگاه از همسایه غربی آسوده و فارغ نبود. این جنگ ها نتیجه نهایی نداشت؛ زیرا هرچند در دوران آخری این حکومت سه بار تیسفون مورد تاخت و تاز و تاراج رومی ها قرار گرفت؛ ولی هر بار دشمنان رانده شدند و در شامگاه زندگی حکومت پارتی فتح با ایشان بود. با از بین رفتن حکومت اشکانی، اندیشه های کهن معدوم نشد و شاید بازماندگان قوم پارتی که هنوز در دوره بعدی نفوذ و قدرت بسیاری داشتند، به زنده نگه داشتن آن کمک کرده باشند. بقایای رسوم آن عهد را که حکومت جدید به ارث برده بود، در زبان، هنر و همه شئون فرهنگی مشاهده می کنیم. هنر پارتی که در اواسط عمر حکومت، خود را از زیر بار تحمیلات عنصر یونانی خارج کرده و در طریقی ملی افتاده و تعادل خود را بازیافته بود، مورد تقلید ساسانیان قرار گرفت که به تکمیل آن پرداختند.

ساسانیان به منظور کنترل مستمر نقاط مرزی و جلوگیری از نفوذ احتمالی مهاجمین، با استقرار نیرو در قلعه‌های نظامی کوچک و بزرگ و با فواصل دور و نزدیک تلاش نمودند آسایش و امنیت را فراهم نمایند. بیشتر قلعه‌های نظامی با نقشه مربع و مربع مستطیل شکل دارای خندق مشابه در پیرامون، دروازه ورودی، دیوارهای بلند به همراه برج‌های نگهبانی در اطراف، حیاط مرکزی، راهروهای ورودی اصلی و فرعی، اتاق‌های استراحت فرماندهان و سربازان در چند ردیف منظم، مطبخ، اصطبل حیوانات سواره نظام، کارگاه‌های آهنگری، انبارهای تجهیزات و آذوقه و ... می‌باشند. قلعه‌های نظامی با مصالح خشت و آجر احداث شده‌اند.

منابع مآخذ

- اسکندری، گلشن (۱۴۰۰) هنر اتروسک و یونان، دانشگاه هنر تهران، گروه هنر
- ایناسترانتسیف، کنستانتین (۱۳۸۴)، تحقیقاتی درباره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظم زاده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آذرنیوش، زهرا (۱۴۰۰) آتشکده‌های ایران؛ نیایشگاه‌های زرتشتیان، مقاله کجارو.
- آل داود، سیدابوالقاسم (۱۳۸۹) مردم سنگ شده‌ی شهر پمپئی ایتالیا، در جستجوی دانش.
- آلتهایم، فرانتس، (۱۳۴۲) آسیا در کشمکش با اروپا، هونها و ساسانیان، ترجمه داود منشی‌زاده ابن سینا، تهران.
- بروسیوس، ماریا (۱۳۸۹)، ایرانیان باستان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ثالث.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۶): شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- پیگولوسکایا، ن. و (۱۳۸۵)، اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم ششم - میلادی، ترجمه عنایت الله رضا، تهران: پژوهشگاه مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- خوانساری نژاد، احسان (۱۴۰۰) استراتژی نظامی در امپراطوری ساسانی، مطالعات باستان شناسی، ش ۳ ص ۴۵-۴۲.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳): شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
- دباکونف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۸۳): تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- رستمی، عبدالله (۱۳۹۵) مطالعه تطبیقی نظام طبقاتی ایران و روم در عهد ساسانیان، تحقیقات جدید در علوم انسانی شماره ۱۳.
- زارع، بابک (۱۳۹۷) ویژگیهای هنر معماری اسلامی، مطالعه و بررسی دانستنیهای تاریخی.
- زارعی، محمد ابراهیم، (۱۴۰۰) آشنایی با معماری جهان، ج ۱۹، تهران، انتشارات فن‌آوران.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶): تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر، چاپ یازدهم.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶): تاریخ مردم ایران پیش از اسلام، ۱/ تهران: امیرکبیر، چاپ دهم.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۴)، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاووس جهان داری، تهران: فرزانه.
- ضیاءپور، جلیل (۱۳۷۷) مختصر تاریخ هنر ایران و جهان، به کوشش محمدحسن اثباتی، چاپ اول، انتشارات اسلیمی.
- طلائی، پرویز حسین، مسگر، علی اکبر (۱۳۹۸) شهرهای مرزی ایران و بیزانس در دوره ساسانی، تهران، نگارستان اندیشه.
- عباد، هاجر (۱۳۸۳) معماری جهان، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان.

غیابی، محمد مسعود (۱۳۹۹) بررسی معماری و عملکرد قلعه های دوره ساسانی با تاکید بر قلعه هزاردرب آبدانان، نشریه اختصاصی معماری شناسی، ش ۱۷

فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۵)، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کاظمی، انی (۱۳۹۷) ویژگیهای هنر معماری ساسانی، مجله تاریخ ما، مطالعه و بررسی دانستنیهای تاریخی، ج ۱۱، تهران.

کریستن سن، آرتور (۱۳۸۲): ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر و ساحل، چاپ سوم.

کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۶) معماری ایران، دوره اسلامی، تهران، جهاد دانشگاهی .

محمود آبادی، سید اصغر (۱۳۸۴): امپراتوری ساسانیان، اصفهان: افسر.

محمودآبادی، سید اصغر (۱۳۷۹)، نقش نظام ساسانی در تخریب بنیادهای سیاسی و فرهنگی اشکانیان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان (مطالعات و پژوهش های دانشکده ادبیات و علوم انسانی) شماره ۲۳-۲۲.

مشکور، محمدجواد (۱۳۴۷)، ایران در عهد باستان (در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام)، تهران: امیرکبیر.

یار شاطر، احسان (۱۳۸۳) تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کمبریج، ج ۳ (قسمت اول: از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان)، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.